



روایت ۶ سال فعالیت «کانون فرهنگی تربیتی انعکاس نور مهدوی» در حاشیه شهر جایی که دختران محله مهدی آباد رفاقت و مهارت را در کنار هم تجربه می کنند

دخترانی برای ساختن فردای محله

۵۴

رنگ عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

اکرم اکبری کارش را از خانه آغاز کرد و امروز ۵ زن را در کارگاه شیرینی پزی اش کنار خود دارد
تجربه های یک مسیر شیرین

۶



تردد خودروها در تقاطع کوچه شهید شیرداد بهلولی با بولوار امت، به دلیل نبود تابلو و دوربرگردان استاندارد بارها حادثه ساز بوده است

۲

جای خالی تابلو دورزدن ممنوع!

دغدغه مندان محله امیرآباد، بساط آموزش و تربیت بچه ها را هر شب در بوستان محله پهن می کنند
«اردیبهشت»، مدرسه تابستانه کودکان

۷



تردد خودروها در تقاطع کوچه شهید شیرداد بهلولی با بولوار امت، به دلیل نبود تابلو و دوربرگردان استاندارد بارها حادثه ساز بوده است

جای خالی تابلو دورزدن ممنوع!

سید محمد عطائی | تقاطع کوچه پرتردد شهید رمضان شیرداد بهلولی یا همان کوچه امیرالمؤمنین ۱۹ با بولوار امت، زاویه تنگی دارد و اگرچه خروج از آن به راحتی انجام می شود، رانندگان و راکبان موتورسیکلت برای ورود از بولوار امت به محله سجادیه مشکل دورزدن دارند. نتیجه، تصادف های مکرر در نقطه ای است که نه تابلو دورزدن ممنوع دارد و نه دوربرگردانی ایمن و استاندارد.



● شاهدان یک حادثه تکراری

زهرارحیمی حدود هشت سال است نزدیک این سه راهی میوه فروشی دارد و می گوید هر ماه چند بار شاهد تصادف در این نقطه است؛ تصادف هایی که گاهی به جرح هم منجر می شود. او می گوید: وقتی راننده ها از بولوار امت به سمت کوچه شهید شیرداد بهلولی می پیچند، هیچ دیدی ندارند و معمولاً خودروهایی که از روبه روی می آیند، شتاب زیادی دارند؛ برای همین تصادف در این نقطه پرتکرار است.

رحیمی نصب تابلو دورزدن ممنوع را هم چندان مؤثر نمی داند و معتقد است ممکن است برخی رانندگان آن را رعایت نکنند.

با این حال، کاسبی دیگر، نظری متفاوت دارد. سعید کرامتی که حدود پانزده سال است در این محدوده مغازه دارد، می گوید: تابلو ورود ممنوع اینجا ضروری است و هرچند عده ای به آن مقید نباشند، بودنش بهتر از نبودنش است.

او بارها شاهد حضور نیروهای راهنمایی و رانندگی برای بررسی صحنه تصادف بوده و می گوید: مأموران راهنمایی و رانندگی که برای بررسی تصادف می آیند، بارها در این محل اعلام کرده اند که دورزدن ممنوع است؛ با این حال، تابلویی برای هشدار یا اعلام ممنوعیت دورزدن در محل دیده نمی شود. زیاد پیش آمده که اینجا شاهد تصادف بوده ام؛ اتفاقی که دیگر تکراری شده است. بیشتر تصادف ها خسارت مالی به باری آورده اما گاهی هم راکبان وسایل نقلیه مصدوم می شوند یا حتی باعابران پیاده برخورد می کنند.

● دوربرگردان استاندارد یا بستن معبر؟

سجاد زینال پور، کاسب دیگری که حدود پنج سال است در این محدوده مغازه دارد، درست در حاشیه ورودی معبر و نزدیک نقطه پرخطر فعالیت می کند. او می گوید: هفته ای دو تا سه بار شاهد تصادف در این محدوده هستیم که در برخی موارد دست، پا و سر موتورسواران و رانندگان خودروها آسیب می بیند.

طبق نظراو، برای پایان دادن به این وضعیت، یا باید یک دوربرگردان استاندارد ایجاد شود یا ورودی معبر بسته شود؛ هرچند گزینه دوم به گفته او به بازار کسبه آسیب می زند، می تواند از تکرار تصادف ها جلوگیری کند.

ظاهره باقی، عضو شورای اجتماعی محله سجادیه، نیز پیشنهاد بررسی یک راهکار اصولی را مطرح می کند. او می گوید: در ابتدای این کوچه، فضای سبز و ساختمانی متعلق به شهرداری منطقه ۵ قرار دارد و باید بررسی شود که آیا امکان ایجاد دوربرگردانی استاندارد از بولوار امت به داخل کوچه شهید شیرداد بهلولی وجود دارد و آیا شهرداری منطقه ۵ می تواند این اقدام را انجام دهد یا خیر.

● راهکارهای شهرداری برای کاهش خطر

مسئول امور حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۵، درباره درخواست اهالی برای نصب تابلو ورود ممنوع یا دورزدن ممنوع در این محدوده می گوید: در بازدیدی که هفته گذشته همراه با کارشناس سازمان ترافیک شهرداری مشهد از این مکان داشتیم، تصمیم بر آن شد که در این محل تابلو توقف ممنوع نصب شود تا خودروها برای ورود به معبر، به دلیل وجود خودرو پارک شده، مجبور نباشند از لاین دوم استفاده کنند. جواد عباسی درباره نصب تابلوهای ورود ممنوع و دورزدن ممنوع نیز توضیح می دهد: امکان نصب این تابلوها وجود ندارد، چون این معبر یک طرفه نیست و تردد زیادی صورت می گیرد.

عباسی درباره پیشنهاد ایجاد دوربرگردان استاندارد نیز می گوید: امکان ساخت دوربرگردان در این محل وجود ندارد. محل پیشنهادی در شیب زیرپیل راه آهن قرار دارد و حتی در صورت ساخت دوربرگردان، این کار می تواند خطرناک تر باشد.

به گفته این مسئول، برای کنترل سرعت نیز کاهنده سرعت در نزدیکی خروجی کوچه شهید شیرداد بهلولی نصب شده است.

عباسی همچنین توقف خودروهای کسبه و مراجعان آن ها در محل اتصال کوچه و بولوار را یکی از عوامل ایجاد اختلال در تردد عنوان می کند.

پیگیری شهرآرامش درباره مطالبه اهالی محله ثامن برای سامان دهی جوی و جدول های خیابان شهید نوروزی ادامه دارد

ترمیم جوی ها در انتظار درخواست اهالی

عطائی اینچشم مرداد ماه بود که در پی درخواست اهالی محله ثامن، گزارشی از وضعیت نامناسب جوی ها و جدول خیابان شهید نوروزی در شهرآرامش منتشر شد. در این گزارش، اهالی از فرسودگی و شکستگی جدول، ماندگاری آب های بدبو و راکد و تبدیل شدن بخشی از جوی ها به محل تجمع لجن و زباله گلایه داشتند. در پی انتشار این گزارش، موضوع را از رئیس اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۵ مشهد پیگیری کردیم. مهرداد آریافر با اشاره به وضعیت این معبر اعلام می کند که برای ترمیم جوی و جدول خیابان شهید نوروزی در ردیف بودجه سال جاری، اعتباری پیش بینی نشده است.

آریافر با تاکید بر اینکه با توجه به درخواست اهالی و شرایط موجود، اجرای عملیات عمرانی در این معبر ضروری است، می گوید: پیشنهاد می کنیم اهالی درخواست کتبی خود را به شهرداری منطقه تحویل دهند.

به گفته رئیس اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۵، ارائه درخواست کتبی از سوی ساکنان می تواند زمینه پیگیری موضوع را در ارمال یا سال آتی فراهم کند.

دیدار اهالی رضائیه با مسئولان

نشست صمیمانه حجت الاسلام والمسلمین نصرا... پیمانفر، نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی، ابراهیم علیزاده، عضو شورای اسلامی شهر مشهد، حسین اکران، شهردار منطقه ۵ و جمعی از مدیران شهری با شهروندان محله رضائیه در مسجد امام رضا^(ع) برگزار شد. در این دیدار، مسائل و درخواست های اهالی محله مطرح شد.

پلاکی برای شهید عبدی

پلاک افتخار منزل خانواده شهید جواد عبدی در محله حسین آباد رونمایی شد. این مراسم با حضور شهردار منطقه ۵، جمعی از مدیران شهری و اعضای شورای اجتماعی محله در خانه شهید برگزار شد. شهید جواد عبدی متولد مهر ۱۳۴۶ بود و دوران هشت سال دفاع مقدس، در بهمن ۱۳۶۴ به شهادت رسید.

«مغز بادوم» در ۲۷ مسجد

طرح «مغز بادوم» هم زمان با آغاز ماه ربیع الاول در ۲۷ مسجد منتخب منطقه ۵ اجرا می شود. در این طرح از ۱۳۵ پدر بزرگ مشهدی که دارای نوه های متولد سال ۱۴۰۴ به بعد هستند، به پاس نقش آن هادر خانواده و تربیت نسل آینده قدر دانی می شود. این برنامه از ۲۰ مرداد آغاز شده است و تا پایان آبان ادامه دارد.



همسایه به همسایه، دیدار سی و چهارم، کوچه موعود ۲۳

رفاقت قدیمی ها با هم

سحر نیکو عقیده در بعضی کوچه ها، رسم همسایگی فقط به سلام و احوالپرسی در کوچه محدود نمی شود؛ بلکه آدم ها سال ها کنار هم زندگی می کنند، در شادی ها و سختی ها کنار هم می ایستند و بخشی از خاطرات پر رنگ یکدیگر می شوند. موعود ۲۳ در محله کنه بیست یکی از همین کوچه ها است. در این معبر، مسجد قمر بنی هاشم^(ع) فقط محل برگزاری مراسم مذهبی نیست؛ برای بسیاری از اهالی، جایی است که دوستی ها از آنجا شکل گرفته و نسل های مختلف در کنار هم بزرگ شده اند.

● ○ پیر غلام مسجد محله

سید حسن موسوی رادر موعود ۲۳ بیشتر با نام آقاسید می شناسند؛ پیر غلام مسجد قمر بنی هاشم^(ع) که حدود سی سال است در همین کوچه کبابی دارد. او می گوید: سن و سالی نداشتم که پدر و مادرم به این محدوده آمدند و از کودکی با مسجد و اهالی محله بزرگ شدم. پدرش، آقاسید هاشم، زمین مسجد را وقف کرده و به همین دلیل مسجد قمر بنی هاشم^(ع) حالا بخش پر رنگی از خاطرات زندگی اش را شکل داده است. آقاسید حسن می گوید: من از بچگی در مسجد بزرگ شدم و خیلی وقت ها با تشویق بزرگان مسجد، مداح و نوحه خوان مراسم هم می شدم. همچنین اهالی اورا به دست و دل بازی و بخشنده می شناسند. یکی از کارهایی که سال ها است انجام می دهد، برگزاری نذری به یاد پدرش است. هر سال هم زمان با وفات امام رضا^(ع)، هزار پرس غذا در کبابی اش تهیه و میان اهالی محله توزیع می کند. در زمان پخش نذری، یکی از جوان هایی که همیشه پای کار می آید، سید جواد حسینی است؛ جوانی که آقاسید، او را از فعالان محله می داند و می گوید در برنامه های مختلف کنار اهالی حضور دارد.



● ○ گپ و گفت دوستانه با همسایه ها

سید جواد حسینی حدود بیست سال است که در ابتدای همین کوچه، مغازه ترشی جات دارد. او هم نوجوان بوده که همراه پدر و مادرش به این محدوده آمده است. وقتی از رابطه همسایه ها می گوید، بیشتر از هر چیز به سال های طولانی زندگی آن ها در کنار هم اشاره می کند: «اینجا همه قدیمی هستند. روابط چندین ساله بین همسایه ها وجود دارد و همه مثل یک خانواده یکدیگر را می شناسند. من هم اینجاکلی دوست و رفیق دارم که از برادریه من نزدیک ترند.» برای او مغازه اش فقط محل کسب و کار نیست. در طول روز، اهالی بارها به مغازه اش سر می زنند؛ بعضی برای خرید و بعضی فقط برای چند دقیقه گپ زدن. البته سید جواد خودش هم در شکل گرفتن این روابط بی تأثیر نبوده است. از کودکی علاقه داشته در فعالیت های اجتماعی محله حضور داشته باشد و مسجد یکی از مهم ترین مکان هایی بوده که این ارتباط ها در آن شکل گرفته است. از توزیع چای در مراسم گرفته تا کارهایی مثل جفت کردن کفش های نمازگزاران، هرکاری که از دستش برمی آمده انجام داده است. او یکی از نزدیک ترین دوستانش علی غلامیان را به عنوان آدم دغدغه مند محله معرفی می کند.



● ○ خاطراتی از همدلی اهالی

علی غلامیان از کودکی در همین محله زندگی کرده است. اهالی او را به روابط اجتماعی خوبش می شناسند؛ کسی که به راحتی با دیگران گرم می گیرد و دوستی هایش محدود به یک گروه خاص نیست. زندگی او در این محله و کوچه سراسر خاطره است. مثلاً درباره مسجد قمر بنی هاشم^(ع) یاد خاطره ای متفاوت می افتد و می گوید: وقتی بچه بودم، روزی یک جفت کفش فوتبال خیلی زیبا جلوقسمت کفشداری مسجد دیدم و آن را برداشتم. وقتی به خانه رسیدم، پدرم متوجه شد و حسابی ناراحت شد و نصیحتم کرد. من هم کفش ها را برگرداندم و گذاشتم سر جایش. بخشی از خاطرات علی، همدلی قدیمی اهالی را نشان می دهد؛ او از روزی یاد می کند که یکی از همسایه ها عزیزی را از دست داده بود و قصد داشت برای او مجلس ختم برگزار کند، اما شرایط مالی مناسبی نداشت؛ «همسایه ها وقتی از ما جفا با خبر شدند، هر کدام به اندازه توانشان کمک کردند و دست به دست هم دادند تا مجلس آبرو مندی برای آن خانواده برگزار شود.»



پیاده رو چمن جان می گیرد

عملیات پیاده رو سازی و اجرای تایل در خیابان چمن منطقه ۶ به پنجاه درصد پیشرفت فیزیکی رسیده است. این پروژه با هدف سامان دهی مسیرهای پیاده در یکی از معابر قدیمی و پر تردد مشهد اجرا می شود. خیابان چمن به دلیل نزدیکی به حرم مطهر رضوی، علاوه بر شهروندان، محل تردد زائران نیز هست.

شهر خبر

باغ رویش نزدیک تر می شود

پروژه «باغ رویش» در بوستان ۷۳ هکتاری کرامت منطقه ۶ به ۷۵ درصد پیشرفت فیزیکی رسیده است. این مجموعه با هدف توسعه کشاورزی شهری، آموزش محیط زیست و ایجاد فضایی خانوادگی محور در حال اجراست. قطعات کشاورزی شهری، آلاچیق، فضاهای آموزشی و زیرساخت های خدماتی از بخش های پیش بینی شده در این پروژه است.

پای حرف مردم

هفته گذشته، نشست چهره به چهره مدیران شهری با شهروندان محله کارمندان اول و خیابان شهدای فاطمیون در مسجد جواد الائمه^(ع) برگزار شد. در این دیدار، اهالی، مسائل و درخواست های خود را درباره نظافت معابر، فضای سبز و موضوعات فرهنگی و ورزشی مساجد با شهردار منطقه ۶ مطرح کردند.

عطائی، شهردار منطقه ۶ مشهد از اجرای عملیات روکش و بهسازی ۱۸ هزار مترمربع از معابر محله چهنو و خیابان شهید آیت الله صدوقی خبر داد.

امیر رضائی در این باره بیان کرد: یکی از اولویت های شهرداری منطقه ۶، رسیدگی به وضعیت معابر و رفع مشکلات عمرانی محلات است و تلاش می کنیم با شناسایی و اولویت بندی نقاط، اقدامات عمرانی را هدفمند و با سرعت بیشتری دنبال کنیم. رضائی ادامه داد: اجرای این پروژه در محله چهنو، در پاسخ به درخواست و مطالبه شهروندان انجام شده است و امیدواریم با تداوم این اقدامات، شاهد ارتقای کیفیت معابر، تسهیل عبور و مرور و افزایش رضایت ساکنان محلات منطقه باشیم.

او افزود: در اجرای این عملیات، ۲ هزار تن آسفالت برای روکش و بهسازی معابر استفاده شده است. این اقدام با هدف رفع بخشی از مشکلات موجود در سطح معابر، ارتقای ایمنی و فراهم کردن شرایط مناسب تر برای تردد ساکنان و شهروندان انجام گرفته است.



شهردار منطقه ۶ مشهد از اجرای عملیات گسترده روکش و بهسازی آسفالت در محله چهنو خبر داد

**چهره تازه چهنو
با ۲ هزار تن
آسفالت**



روایت ۶ سال فعالیت «کانون فرهنگی تربیتی انعکاس نور مهدوی» در حاشیه شهر؛ جایی که دختران محله مهدی آباد رفاقت و مهارت را در کنار هم تجربه می‌کنند

دخترانی برای ساختن فردای محله

عطایی ادر طبقه بالای مسجد صاحب الزمان (عج) محله مهدی آباد، چند متر قبل از پایان محدوده شهری، جمعی از دختران نوجوان کنار هم نشسته‌اند؛ دخترانی که بخشی از روزهای نوجوانی شان را در همین مسجد، در کلاس‌های آموزشی، برنامه‌های فرهنگی، اردوها و فعالیت‌های گروهی می‌گذرانند. اینجا برای آن‌ها فقط محل برگزاری کلاس نیست. نزدیک به ۶ سال است که «کانون فرهنگی تربیتی انعکاس نور مهدوی» تلاش می‌کند فعالیت فرهنگی برای دختران نوجوان حاشیه شهر را از برنامه‌های مقطعی و مناسبتی فراتر ببرد و آن‌ها را برای حضور فعال تر در محله و جامعه آماده کند. قصه کانون از سال ۱۳۹۹ و از دغدغه چند بانوی فرهنگی آغاز شد؛ بانوانی که خودشان از محله‌های مختلف شهر، از وکیل آباد و سجاد گرفته تا الهیه و قاسم آباد، راهی مدارس و محله‌های حاشیه شهر می‌شدند تا دختران مستعد را پیدا کنند. آموزش دهند و به آن‌ها فرصت تجربه کردن فعالیت فرهنگی بدهند. حالا بعد از گذشت ۶ سال، حدود سی دختر نوجوان به شکل ثابت در این کانون آموزش می‌بینند و در برنامه‌های فرهنگی محله نقش دارند؛ گروهی که قرار است خودشان، بخشی از جریان فرهنگی محله باشند، نه فقط مخاطب آن.

شروع یک دغدغه از مدرسه

زهرا ابراهیم نژاد، مربی کانون و یکی از بنیان‌گذاران آن، نقطه شروع این فعالیت را سال ۱۳۹۹ می‌داند؛ زمانی که همراه مهدیه سعیدی، معلمی دیگر در یکی از مدارس ناحیه ۴ فعالیت می‌کردند. به گفته او، مسئله اصلی این بود که برنامه‌های فرهنگی و تربیتی برای دختران دانش آموز، اثر ماندگار و مستمر داشته باشد. ابراهیم نژاد می‌گوید: سال ۱۳۹۹ بود که همراه یکی از همکاران به نام مهدیه سعیدی در یکی از مدارس ناحیه ۴ خدمت می‌کردیم. آنجا دغدغه‌ای داشتیم که فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی مربوط به دانش آموزان دختر ماندگار و اثربخش باشد. او ادامه می‌دهد: قبل از آن بارها صحبت می‌کردیم که چون آموزش‌ها مقطعی و در فصل تحصیلی است، اثربخشی مطلوب را نخواهد داشت. ما آن موقع در همه اعیاد و مناسبت‌ها از استادان مختلف دعوت می‌کردیم و هم‌زمان با برگزاری مراسم، برنامه‌های فرهنگی متنوعی داشتیم، ولی آن‌طور که باید و شاید نتیجه نمی‌گرفتیم.



مستعد را شناسایی و برای ادامه مسیر فرهنگی کادرسازی کنیم. برای این کار نیاز داشتیم گروه سنی مشخصی را انتخاب کنیم. با مدیر مدرسه صحبت کردیم و قرار شد جنگی بازی محور اجرا و در خلال آن استعداد یابی کنیم؛ جامعه هدف نیز دختران کلاس چهارمی بودند.

جشن روز دختر با ۲۵ مهمان

البته فعالیت‌ها تنها به مدرسه محله محدود نمی‌شده و هر موقع شرایط ایجاب می‌کرده، سراغ تمام دختران محله هم می‌رفتند؛ مثلاً یکی از برنامه‌های پرمخاطب کانون در سال ۱۴۰۱ برگزار شد؛ جشن روز دختر در مسجد صاحب الزمان (عج). آئینه جوانبادی، از بانوان فعال محله، آن روز را به یاد دارد. او تعریف می‌کند: جای سوزن انداختن نبود و با اینکه کرونا شیوع داشت، بیش از ۲۵ دختر محله در مسجد صاحب الزمان (عج) مهمان ما بودند. این برنامه برای کانون یک تجربه مهم بود، اما فعالیت مستمر همچنان مسئله اصلی باقی ماند. با پایان سال ۱۴۰۱، بچه‌ها از هم فاصله گرفتند و فعالیت فرهنگی منظم به شکل مورد نظر بنیان‌گذاران ادامه پیدا نکرد. اعضای کانون دوباره به مدرسه برگشتند و در طول سال تحصیلی فعالیت‌هایشان را دنبال کردند.

«ستاره‌باز» استعدادیابی با بازی

سال ۱۴۰۲ برنامه‌ای با عنوان «ستاره‌باز» آغاز شد؛ طرحی که قرار بود در قالب بازی و فعالیت گروهی به استعدادیابی بپردازد. سعیدی درباره این برنامه می‌گوید: «ستاره‌باز» نام جذابی بود؛ بالوگو و کانالی پررونق و جذاب برای بچه‌ها. سه کلاس چهارم، جامعه هدف این برنامه بودند. بازی‌ها بدون طراحی قبلی اجرا نمی‌شد. او توضیح می‌دهد: یک ماه روی طراحی بازی‌ها فکر کردیم و در هر بازی به دنبال هدف خاصی بودیم. سعیدی برای توضیح روش کار، نمونه‌ای از بازی‌ها را به یاد می‌آورد: برای مثال، ابزاری را برای تولید کاردستی همراه با تنها یک چسب حرارتی در اختیار سه گروه می‌گذاشتیم؛ می‌خواستیم بدانیم در زمان

ابراهیم نژاد می‌گوید: در دبیرستان ثامن نور در بولوار فرامرزی عباسی حدود ۱۰ سال فعالیت می‌کردیم و با افراد توانمند ارتباط گرفته بودیم. از سوی دیگر، دانش آموزان با استعداد و دغدغه‌مندی هم طی آن سال‌ها به جایگاه‌های مختلف علمی و فرهنگی رسیده بودند و دوست داشتند در این کار همراهی کنند. برای همین تصمیم گرفتیم کانونی را ایجاد کنیم تا بتوانیم برنامه‌ها را منظم اجرا کنیم.

چرا حاشیه شهر؟

مهدیه سعیدی، دیگر بنیان‌گذار کانون، می‌گوید انتخاب حاشیه شهر اتفاقی نبوده است. او درباره آن روزهای می‌گوید: دور هم نشستیم و مدت‌ها گفت‌وگو کردیم و به این نتیجه رسیدیم که فعالیت‌هایمان را در حاشیه شهر ادامه دهیم، به این دلیل که این بچه‌ها دسترسی کمی به مجموعه‌ها و امکانات فرهنگی دارند. هدف آن‌ها از همان ابتدا فقط برگزاری چند کلاس و برنامه مناسبتی نبود. سعیدی تأکید می‌کند: ما می‌خواستیم به نوجوانان حاشیه شهر کمک کنیم تا هویت ایرانی اسلامی را در وجودشان تثبیت کنند و در قدم بعدی، نوجوانان کنشگر و تحول‌آفرینی در محله خودشان و بعد در سطوح بالاتر، در اجتماع باشند. او می‌گوید: حلقه اولیه این فعالیت فقط ۱۰ نفر مربی بود؛ گروهی کوچک که قرار بود به تدریج بزرگ‌تر شود.

پنجشنبه‌های متفاوت مدرسه

در قدم بعد، بنیان‌گذاران کانون سراغ قرارگاه‌های جهادی و کانون‌های مختلف می‌روند و همان سال تحت عنوان گروه جهادی «انعکاس نور مهدوی» از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مجوز می‌گیرند. فعالیت رسمی آن‌ها در دبستان عدالت محله مهدی آباد آغاز می‌شود. برنامه پنجشنبه‌ها شکل می‌گیرد؛ کلاس‌هایی که قرار نیست فقط یک موضوع را دنبال کنند. زبان انگلیسی، ریاضی، قرآن، کاردستی و دیگر فعالیت‌های علمی، فرهنگی و هنری در برنامه قرار می‌گیرد. ابراهیم نژاد درباره این مرحله می‌گوید: ما دنبال این بودیم که بچه‌های

حالا گروه دختران کانون انعکاس هر شب در تجمعات شبانه محله حضور دارد و بخشی از مسئولیت اجرای برنامه ها را بر عهده می گیرد.

مربیانی که از نقاط مختلف شهر می آیند

یکی از ویژگی های کانون انعکاس، حضور مربیانی با تخصص های مختلف است. مهدیه سعیدی درباره تعدادی از آن ها توضیح می دهد. اومی گوید: خانم زهرا دزبانی، استاد کلاس های تربیت محور هنر و خلاقیت کانون انعکاس است. ایشان استاد هنر دانشگاه الزهراء (ع) است و سه سال متوالی با بچه ها کار تربیتی با جاشنی هنر انجام داده است. سعیدی درباره یکی دیگر از مربیان می گوید: خانم کوثر شیرازی، مربی تربیتی کانون انعکاس. از ابتدای راه اندازی مجموعه حضور داشته و طراحی خیلی از برنامه های تربیتی، مسابقات و فعالیت های اردویی تربیت محور به عهده ایشان بوده است.

او درباره صدف صداقت نیز می گوید: خانم صدف صداقت، کارشناس ارشد مهندسی عمران، مربی بچه ها در زمینه تحصیلی و درسی است.

در کنار این افراد، زهرا رضایی، کارشناس بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، نیز حدود دو سال است که با کانون همکاری می کند. کلاس او پنجشنبه ها و هم زمان با تهیه این گزارش برگزار می شود. رضایی درباره انگیزه حضورش در کانون می گوید: پنجشنبه ها هر طور شده خودم را به اینجامی رسانم؛ چون نوجوانانش خیلی با انگیزه هستند و زود به مطالب مسلط می شوند.

اوسطح علمی و مهارتی دختران را نیز شایان توجه می داند؛ «شکر خدا بالاینکه بچه ها در سنین نوجوانی هستند، آن قدر سواد مهدویت دارند که بایک کارشناس مهدویت هم ردیف هستند.»

رضایی تأکید می کند: از طرفی آن قدر مهارت ارتباط گیری خوبی دارند که می توانند برای همه گروه های سنی، کلاس برگزار کنند.

جونا بادی می گوید: حمایت هاحتی در حوزه دارویی هم هست و برای خانواده هایی که بیماران صعب العلاج دارند، از طرف خیران کمک می رسد. بسته های کمک معیشتی نیز معمولاً برقرار است.

او ادامه می دهد: در چند نمونه هم با همکاری کانون نفس و خیران، از سقط جنین که به سبب ترس از مسائل مالی دوران حاملگی و زایمان قرار بود صورت بگیرد، جلوگیری شد.

البته طبق صحبت جونا بادی در کنار دختران نوجوان، مادران آن ها نیز وارد چرخه آموزش می شوند. کلاس های آموزشی و مشاوره ای برای مادران برگزار می شود و برای زنانی که توانمند هستند، دوره های مهارتی نیز در نظر گرفته می شود.

نتیجه برخی از این دوره ها به کار آفرینی می رسد. جونا بادی می گوید: مثلاً یکی از بانوان مشغول خیاطی است و فرد دیگری هم در خانه اش کارگاه عروسک سازی دارد.

به این ترتیب، فعالیت فرهنگی کانون فقط در گروه نوجوانان باقی نمی ماند و به خانواده ها نیز امتداد پیدا می کند.

یک جمع ۳۰ نفره، یک شبکه بزرگ تر

امروز حدود سی نوجوان به شکل ثابت و مستقیم تحت آموزش و مراقبت کانون انعکاس هستند. حدود سی بانوی بزرگ سال نیز پای ثابت برنامه های فرهنگی و آموزشی اند. در برنامه های عمومی امداد منته حضور بیشتری می شود و گاهی چند صد نوجوان محله در برنامه ها شرکت می کنند. جونا بادی نیز در روزهای تابستان، از صبح تا عصر در پایگاه حضور دارد و نوجوانان را همراهی می کند. بخشی از روزهایشان حتی با هم می گذرد؛ گاهی ناهار را در همان محل آماده می کنند و کنار یکدیگر غذا می خورند.

دخترانی که خودشان برنامه اجرایی کنند

بخش دیگری از فعالیت کانون، اجرای برنامه توسط خود دختران است. آن ها بسته به شرایط، اجرای گروه سرود، نمایش های آیینی و مذهبی، سخنرانی و دکلمه دارند. گاهی نیز مطالب آموزشی دینی و مهدوی را برای نوجوانان حاضر در مسجد و مدرسه ارائه می کنند.

در محرم و صفر گذشته نیز چندین نوبت مراسم عزاداری برگزار شد و در پایان مراسم، از مهمانان محلی بادیست پخت خودشان پذیرایی کردند.

اندک چطور چسب حرارتی را به اشتراک می گذارند و بر خوردشان با این محدودیت چطور است. در نهایت، حاصل دو دوره «ستاره باش» انتخاب چهل دختر مستعد برای ادامه برنامه های فرهنگی بود.

از ۴۰ دختر تا یک کانون ثابت

بعد از شناسایی این چهل دختر، ارتباط با خانواده های آن ها آغاز شد. خانواده ها نیز از ادامه فعالیت استقبال کردند و همین همراهی، امکان شکل گیری یک گروه ثابت را فراهم کرد. پیش از این، بخش مهمی از فعالیت های کانون، صرف شناسایی دختران مستعد شده بود. عید غدیر سال ۱۴۰۲، فعالیت رسمی آن ها برای این گروه با اردویی در روستای نغندر آغاز شد. سپس فعالیت ها را در مسجد صاحب الزمان (عج) ادامه دادند؛ مسجدی که حالا محل اصلی فعالیت دختران کانون انعکاس است و آمنة جونا بادی و دیگر بانوان فعال محله نیز در کنارشان قرار دارند.

در همین مرحله، عنوان «کانون فرهنگی تربیتی انعکاس»، و هدف تربیت، دختر مسلمان ایرانی «پرزنگ تر شد؛ دختری که قرار است هم آموزش ببیند و هم خودش در فعالیت فرهنگی محله نقش داشته باشد.

فعالیت فرهنگی، فقط کلاس و مراسم نیست

آمنة جونا بادی، فرمانده پایگاه بسیج مبارک حوزه ۶ نجمه، پیش از شکل گیری کانون انعکاس نیز در پایگاه فعالیت های فرهنگی مختلفی داشته است. با آمدن اعضای کانون، بخشی از این فعالیت ها در کنار هم قرار گرفت و شناخت آن ها از نوجوانان و خانواده ها گسترده تر شد. جونا بادی می گوید: کار مهمی که در کنار فعالیت های فرهنگی صورت گرفت، شناختن بچه ها و خانواده هایشان از جنبه های مختلف بود؛ مثلاً با تحقیقات، نوجوان هایی که در این گروه به لحاظ مالی نیازمند بودند، شناسایی و حمایت شدند. حالا دامنه حمایت ها گاهی به مسائل درمانی خانواده ها هم می رسد.

آگاهی بیشتر درباره مهدویت

کوثر عظیمی، چهارده ساله، از سال چهارم ابتدایی و اجرای برنامه «ستاره باش» با کانون آشنا شده است. خاطره اولین برخوردش با مربیان کانون هنوز برایش روشن است.

اومی گوید: یادم است که آن سال سر کلاس بودیم و از ما خواستند به نمازخانه مدرسه برویم. در آنجا چند بانوی لباس های رنگی متنوع حضور داشتند و دسته جمعی حسابی بازی کردیم. سال تحصیلی که تمام شد، من یکی از انتخاب شده های کلاس مان بودم. کوثر از میان دستاوردهای حضورش در کانون، آشنایی با امام زمان (عج) و مفهوم مهدویت را مهم تر می داند.

او می گوید: قبلاً حجاب کاملی نداشتم، ولی الان حجاب را با آگاهی کامل نگه می دارم. اینجادر کانون هم لحظات خوبی را سپری می کنم.

رؤیای مربی شدن برای دختران محله

نرگس هراتی نیز از دخترانی است که در این سال ها اعتماد به نفس بیشتری پیدا کرده و در کنار آن، با مطالب مختلف درباره دین اسلام و مفهوم مهدویت آشنا شده است.

اومی گوید: مهم ترین خواسته ام این است که در آینده بتوانم همانند مربیان کانون برای دختران نوجوان، به خصوص دختران این محله، کلاس هایی برگزار کنم تا آگاهی آن ها از مفاهیم دینی و اجتماعی افزایش یابد.

ایجاد فرصت فرهنگی برای دختران محله

نجمه مریمی، تجربه نخستین برخوردش با کانون را به حدود پنج سال پیش برمی گرداند. اومی گوید: آن قدر محیط شاد و مفرحی ساخته بودند که به حضور در برنامه هایشان علاقه مند بودم. نجمه بعد ها به عضویت کانون درآمد و درباره تأثیر این حضور می گوید: به نظر خودم از لحاظ روحی و جسمی خیلی بهتر شده ام. هم اعتماد به نفسم بهتر شده است و هم کارهایم را با نظم بیشتری انجام می دهم.

اما خواسته نجمه فقط برای خودش نیست؛ «دلم می خواهد که بقیه دختران هم محلی هم چنین فرصتی داشته باشند.»

اعتماد به نفس، ویژگی ای که در جمع شکل می گیرد

ستایش علی میرزایی نیز از روزهای نخست حضورش، رفتار مربیان را به یاد دارد. اومی گوید: مربیان این طرح خیلی شوخ طبع بودند و اقدامات فرهنگی شان خیلی جذاب بود. بازی و سرگرمی هایی که انجام می دادیم باعث می شد دلمان بخواد بیشتر مشارکت داشته باشیم.

وقتی مادر ستایش فهمید دخترش برای عضویت در کانون انتخاب شده است، استقبال کرد. ستایش حالا مهم ترین نتیجه حضورش را افزایش اعتماد به نفس می داند.

اومی گوید: از وقتی به کانون آمده ام، روابط عمومی ام خیلی بهتر شده و راحت تر با دیگران بهتر ارتباط می گیرم. در مجموع وقتی اینجا هستیم، انرژی خوبی می گیرم و لحظات شادی را کنار دوستانم می گذرانم.



اکرم اکبری کارش را از خانه آغاز کرد و امروز هنر را در کارگاه شیرینی پزی اش کنار خود دارد

تجربه‌های یک مسیر شیرین

راه تجربه



بخشی از مسیر زندگی اوست. اکرم اکبری متولد سال ۱۳۶۳ است؛ زنی که پیش از رسیدن به شیرینی پزی، هنرهای مختلفی را امتحان کرده؛ از شمع سازی و خیاطی گرفته تا کارهای دیگری که هر کدام برای مدتی بخشی از زندگی اش بوده‌اند. اما در نهایت مسیرش به شیرینی پزی رسیده است. این مسیر حالا او را به نخستین بانوی محله آقامصطفی خمینی تبدیل کرده که مغازه کیک و شیرینی و کارگاه شیرینی پزی خودش را راه انداخته و در کنار چند نیروی خانم دیگر آن را اداره می‌کند. اینجا، پشت همان ویتترین رنگارنگ، نتیجه سال‌ها جست‌وجو، تجربه و تلاش زنی دیده می‌شود که بالاخره مسیر خودش را پیدا کرده است.

نیکو عقیده از جلو مغازه که رد می‌شوم، اولین چیزی که تو جهم را جلب می‌کند، کیک‌های تولد رنگارنگی است که پشت ویتترین چیده شده‌اند. اما پشت این شیرینی فروشی، جایی که از نگاه رهگذران پنهان است، کارگاه شیرینی پزی قرار دارد. وقتی وارد کارگاه می‌شوم که اکرم اکبری، صاحب آن سخت مشغول کار است. آن قدر که به سختی فرصت می‌کند سرش را بالا بیاورد. قیف را در دست گرفته است و با دقت و سرعت، مواد داخلش را یکی یکی داخل قالب‌های کوچک کیک یزدی می‌ریزد تا هر چه زودتر آن‌ها را راهی فر کند. جدی و متمرکز است؛ آن قدر که پاسخ دادن به سؤال‌هایم تا پیش از پر شدن قالب‌ها و رفتنشان داخل فر، تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد. کارش که تمام می‌شود و کمی از شلوغی کارگاه فاصله می‌گیرد، فرصت پیدا می‌کنیم با هم حرف بزنیم و همان جایی فهمم این جدیت و تمرکز.

دست پخت یک آشپز کوچک

علاقه اکرم اکبری به پخت و پز، ریشه در سال‌های کودکی اش دارد؛ سال‌هایی که شرایط زندگی، پای او را به آشپزخانه باز کرد. او می‌گوید: آن روزها مادرم گاهی مجبور می‌شد برای مراقبت از مادر بزرگمان خانه را ترک کند. من کم‌سن و سال می‌ماندم و مسئولیت خانه و دو برادر کوچک‌ترم، قدم هنوز به اجاق گاز نمی‌رسید و برای اینکه بتوانم آشپزی کنم، چهارپایه‌ای زیر پایم می‌گذاشتم و روی همان چهارپایه، کم‌کم پختن غذا را یاد گرفتم. اکرم می‌گوید حتی در مهمانی‌های شلوغ و پرجمعیت هم آشپزی می‌کرده و همین موضوع از همان سال‌ها توجه اطرافیان را جلب می‌کرده است؛ «یادم است همان زمان هم مهمان‌ها وقتی می‌فهمیدند من غذا را آماده کرده‌ام، تعجب کرده و از کارم تعریف می‌کردند».

با این حال، وقتی به سال‌های دبیرستان رسید، مسیر تحصیلش چندان همسو با علاقه‌اش پیش نرفت. در زمان انتخاب رشته، با فشار خانواده به جای رشته‌های هنری، حسابداری را انتخاب کرد. او تعریف می‌کند: تمام علاقه من هنر بود؛ اما آن زمان یک باور اشتباه وجود داشت که دانش‌آموزان ضعیف به رشته‌های فنی و حرفه‌ای می‌روند. به همین دلیل من را مجبور کردند که رشته دیگری را انتخاب کنم.

چیزی بیش از یک شغل

مدرک حسابداری را گرفت اما بلافاصله بعد از پایان تحصیل، به یک آموزشگاه خیاطی رفت. دیپلم خیاطی گرفت و بعد از آن در چند مزون در سطح شهر و یک کارگاه خیاطی مشغول به کار شد. خیاطی برای مدتی تبدیل به حرفه اصلی او شد؛ حرفه‌ای که در آن هم رد پای علاقه‌اش به هنر دیده می‌شد و هم میلش به یاد گرفتن و تجربه کردن. سال ۱۳۸۳ ازدواج کرد. مدتی بعد، تجربه یک بارداری ناموفق و از دست دادن فرزندش باعث شد برای مدتی از کار فاصله بگیرد. این دوری اما چندان طولانی نبوده است. پس از به دنیا آمدن فرزند اولش، در بیست و پنج سالگی دوباره به فضای کار برگشت و



رنگ عکس: سحر نیکو عقیده شهرآرامش

این بار از خانه و با خیاطی برای آشنایان شروع کرد؛ «کار برای من چیزی بیشتر از یک شغل بود. راهی بود برای اینکه دوباره خودم را پیدا کنم و بخشی از علاقه‌ای را که سال‌ها همراهم بود، زنده نگه دارم».

از خیاطی تا شیرینی پزی

خیاطی را دوست داشت، اما هر چه بیشتر در این مسیر پیش می‌رفت، بیشتر متوجه می‌شد علاقه‌ای که از کودکی در وجودش مانده، جای دیگری است. آشپزی و پختن شیرینی برای او فقط یک سرگرمی نبود؛ هر بار که دست به کار می‌شد، احساس می‌کرد بیشتر از خیاطی با این کار ارتباط می‌گیرد. اکرم خانم می‌گوید: سال ۱۳۹۵ تصمیم گرفتم این علاقه را به شکل حرفه‌ای دنبال کنم. در سازمان فنی و حرفه‌ای دو مدرک، یکی در زمینه شیرینی‌های خشک و دیگری در زمینه کیک پزی، گرفتم و بعد از آن، کار را از خانه شروع کردم.

در خانه کیک و شیرینی می‌پخت و در کنار آن، سفارش‌های محدودی هم از آشنایان و مشتری‌ها قبول می‌کرد. سفارش‌ها در ابتدا چندان گسترده نبودند، اما به مرور کیفیت کارش باعث شد مشتری‌های بیشتری سراغش بیایند. در میان سفارش‌ها، شیرینی‌های مخصوص عید جای خودش را پیدا کرد. اکرم می‌گوید: بیشترین فروش در روزهای نزدیک به عید بود و شیرینی عسلی‌ام طرفدار زیاد داشت. همه عاشق شیرینی‌های عسلی‌ام بودند. عیدها حتی از شهرستان‌های اطراف هم تقاضا داشتند و همسرم شیرینی‌ها را به مسیرهای دور می‌برد.

همسر به عنوان مشوق اصلی

تأکید می‌کند که در این مسیر، اگر همراهی همسرش، محسن اسما عیل پور، نبود، شاید این کار هیچ وقت گسترده نمی‌شد. همسرش از همان ابتدا مشوق اصلی‌اش بوده و در تصمیم‌های مهم کاری، همیشه کنارش ایستاده است. حتی تصمیم به راه‌اندازی مغازه و کارگاه هم تا حد زیادی با حمایت او عملی شده است. سرانجام دی ماه سال گذشته، اکرم این مغازه را در محله آقامصطفی خمینی اجاره کرد و کاری را که سال‌ها در خانه و در مقیاس محدود انجام داده بود، به صورت رسمی آغاز کرد. شروع کارگاه اما با امکانات کامل همراه نبود. یکی از مهم‌ترین وسایل کار، همان فر بزرگ گوشه کارگاه، در ابتدا به صورت قسطی خریداری شد. بعد از آن، هر چه فروش بهتر پیش می‌فت، کم‌کم وسایل و تجهیزات دیگری هم به کارگاه اضافه شدند. به این ترتیب، کارگاه نه یک باره و با سرمایه‌ای بزرگ، بلکه قدم به قدم و از دل همان سفارش‌های کوچک خانگی شکل گرفت.

کیک ۱۶ متری!

از خود اکرم می‌پرسم در این سال‌ها کدام خاطره برایش شیرین‌تر است. او می‌گوید: روز عید غدیر در کارگاه یک کیک شانزده متری آماده و آن را میان مردم محله توزیع کردیم. آماده کردن این کیک برای یک کارگاه کوچک، سخت و حاصل ساعت‌ها کار و همکاری چند نفر از نیروهای کارگاه بود.

البته اولین بار نبود که اکرم برای مناسبت‌های مذهبی دست به کار می‌شد. او در اعیاد مختلف، نذر دارد کیک بپزد و به صورت رایگان میان مردم توزیع کند. برای اکرم، بخشی از شیرینی کار فقط در سفارش‌هایی نیست که مشتری‌ها تحویل می‌گیرند؛ گاهی شیرینی واقعی در همان کیک‌هایی است که بدون حساب و کتاب مالی، از کارگاه بیرون می‌رود و سهمی از یک جشن و شادی جمعی می‌شود.

صفری که ۱۰۰ شد

امروز پنج زن در این کارگاه کنار اکرم اکبری کار می‌کنند؛ زنانی که بسیاری از آن‌ها کار را از صفر و بدون تجربه قبلی، پیش خود او یاد گرفته‌اند.

سکینه سادات حسینی بیست و چهار ساله، یکی از آن‌هاست. او می‌گوید: چیزی که بیش از همه در زمان یادگیری به چشم آمد، صبر و حوصله اکرم خانم بود. او خیلی با حوصله همه چیز را از اول به من یاد داد. اگر کاری را بلد نبودم یا اشتباه می‌کردم، سرزنش نمی‌کرد و دوباره توضیح می‌داد. سکینه خانم حالا خودش یکی از نیروهای باتجربه کارگاه است و یکی از خاطرات ابتدای کارش را تعریف می‌کند: قرار بود برای تهیه شیرینی از روغن مخصوص شیرینی پزی استفاده کنم، اما اشتباهی روغن سرخ‌کردنی را داخل مواد ریختم و در نهایت تمام مواد خراب شد اما اکرم خانم با صبر و متانت رفتار کرد.

دغدغه‌مندان محله امیرآباد، بساط آموزش و تربیت بچه‌ها را هر شب در بوستان محله پهن می‌کنند

«اردیبهشت»، مدرسه تابستانه کودکان



عیدگاه

طیبه جمشیدی یکی از مربیان جهادی این کلاس هاست. او پیش از این هم بارها در مسجد قائم (عج) محله برای بانوان کلاس‌های رایگان برگزار کرده، اما تجربه آموزش به کودکان در فضای باز را متفاوت می‌داند؛ از یک طرف، بچه‌ها شور و شوق بیشتری دارند، اما از طرف دیگر کنترل آن‌ها در فضای باز سخت‌تر است و باید حواسمان بیشتر به کلاس باشد.

● استفاده از ظرفیت‌ها

در میان این بچه‌ها، سمانه خوش‌رو، دختر یازده ساله‌ای است که برای نخستین بار در یک کلاس قرآن شرکت می‌کند. سمانه می‌گوید پیش از این، قرآن را بیشتر در خانه و در کنار مادرش می‌خوانده، اما حالا حضور در پارک و بودن کنار دوستانش، تجربه تازه‌ای برایش ساخته است؛ «قبلاً بیشتر با مادرم در خانه قرآن می‌خواندم، ولی اینجا کنار دوستانم بیشتر خوش می‌گذرد. دوست دارم باز هم در این کلاس شرکت کنم و سوره‌های بیشتری یاد بگیرم.»

کلاس‌هایی که در گوشه‌ای از بوستان اردیبهشت شکل گرفته است، شاید از نظر امکانات ساده باشد، اما برای کودکان محله، فرصتی تازه برای یادگیری، بازی و کنار هم بودن ساخته است. اینجا اهالی محله تلاش کرده‌اند از ظرفیت همان پارکی که هر شب محل تجمع است، برای کودکان استفاده کنند؛ تجربه‌ای که اگر ادامه پیدا کند، می‌تواند به برنامه‌ای گسترده‌تر و ماندگارتر برای بچه‌های امیرآباد تبدیل شود.

می‌آیند. اما اهالی در کنار این برنامه‌ها به فکر فعالیت دیگری هم افتادند.

او توضیح می‌دهد: احساس کردیم این محله بیش از هر چیز به فرهنگ‌سازی برای کودکان نیاز دارد و با خودمان گفتیم چه بهتر که خود اهالی برای این موضوع قدم بردارند. به گفته حمای، ماه گذشته جلسه‌ای با فعالان محله برگزار شد و پس از آن، گفت‌وگو با مربیان جهادی انجام گرفت. نتیجه این جلسات، شکل‌گیری کلاس‌هایی بود که هر شب پیش از آغاز تجمعات، در گوشه‌ای از بوستان برای کودکان برگزار می‌شود. حالا کلاس‌های نقاشی، حفظ قرآن و تقویتی ریاضی در این برنامه جای گرفته‌اند.

● کلاس متفاوت در بوستان



سحر نیکو عقیده ۷ ساعت شب است که وارد بوستان اردیبهشت در محله امیرآباد می‌شوم. در گوشه‌ای، موکتی روی زمین پهن شده است و چند دختر بچه دور هم نشسته‌اند و سوره‌های قرآن را حفظ می‌کنند. مربی روی آن‌ها نشسته است و تلاش می‌کند آیات را با صدای بلند برایشان بخواند تا بچه‌ها تکرار کنند. یک تخته وایت‌برد هم پیش روی او است. این کلاس‌ها حاصل همراهی فعالان محله امیرآباد است؛ کسانی که دست به دست هم داده‌اند تا در دل همین محله، فرصتی رایگان برای آموزش و سرگرمی کودکان فراهم کنند.

هر شب، پیش از آغاز تجمعات شبانه، خانواده‌ها کودکان هفت تا دوازده ساله‌شان را به پارک می‌آورند و بچه‌ها در کلاس‌های نقاشی، آموزش قرآن و کلاس تقویتی ریاضی شرکت می‌کنند.

● پایگاهی برای همدلی

پایگاه بسیج بانوان بعثت، شکل دهنده اصلی این کلاس هاست. در ابتدا اقرار بود فعالیت پایگاه به برگزاری و سامان‌دهی تجمعات شبانه در بوستان اردیبهشت محدود باشد، اما به مرور دامنه فعالیت‌ها گسترده‌تر شد و حالا این پایگاه به محلی برای برگزاری برنامه‌های آموزشی و فرهنگی کودکان هم تبدیل شده است. مریم حمای، فرمانده پایگاه بانوان بعثت، می‌گوید: حالا ۱۷۰ شب است که مردم برای برگزاری تجمعات به بوستان اردیبهشت

گفت‌وگو با نوجوان ۱۷ ساله محله مهرآباد که ۵ سال است کشتی را حرفه‌ای دنبال می‌کند

روی تشک، خودت هستی و خودت



در سطح خیلی خوبی هستم. در کشتی گرفتن هم من را فردی محتاط و صبور می‌دانند. سعی می‌کنم با عجله تصمیم‌نگیرم و شرایط حریف را روی تشک بسنجم.

● چه چیزی در کشتی بیشتر از همه برایت جذاب است؟

انفرادی بودنش. ورزش‌های گروهی جذاب هستند، اما نتیجه به همکاری و عملکرد بقیه هم بستگی دارد. در کشتی، خودت هستی و نتیجه تلاش را باید خودت رقم بزنی. همین موضوع برای من جذاب است.

● شگرد مورد علاقه‌ات چیست؟

«فن دست‌تو». در این فن، مچ دست حریف را می‌گیرم و با دست دیگری می‌کشم و او را خاک می‌کنم.

عطائی‌اعلی ابراهیمی عباسی، نوجوان محله مهرآباد، کشتی را با توصیه پدرش شروع کرد؛ پدری که خودش روزگاری کشتی‌گیر بود و این ورزش را «پهلوانی» می‌داند. علی که ابتدا به فوتبال علاقه داشت، بعد از ورود به سالن کشتی کم‌کم جذب تمرین‌ها و فضای آن شد. حالا پنج سال از شروع حرفه‌ای فعالیتش می‌گذرد و رؤیای ایستادن روی سکوی قهرمانی جهان و المپیک را در سر دارد. او از تأثیر کشتی بر اعتماد به نفس و آرامش خود می‌گوید و معتقد است کشتی‌گیر بودن فقط ورزشکار بودن نیست؛ سبک زندگی خاص خودش را دارد.

● قید فوتبال را زدن سخت نبود؟

الان دیگر نه. به نظرم کشتی بهترین ورزش است. حدود پنج سال است که به صورت حرفه‌ای کشتی کار می‌کنم و اگر شرایطش را داشته باشم، سراغ رشته دیگری نمی‌روم.

● برنامه تمرینی‌ات چطور است؟

یک روز در میان، روزی دو ساعت در باشگاه تمرین می‌کنم. در روزهای دیگر هم کارورزی رشته تربیت بدنی را دارم و در سالن ژیمناستیک آموزش و پرورش ناحیه ۵ فعالیت می‌کنم.

● مربی‌ها درباره عملکردت چه نظری دارند؟

می‌گویند از نظر استعداد، تکنیک و سرعت عمل

● کشتی کدام قهرمان را بیشتر دوست داری؟

کامران قاسم‌پور و رحمان عموزاد را خیلی دوست دارم، چون هجومی کشتی می‌گیرند. سبک مبارزه‌شان برایم جذاب است و از تماشای کشتی‌هایشان چیزهای زیادی یاد می‌گیرم.

● تا امروز چه مقام‌هایی به دست آورده‌ای؟

مهم‌ترینشان مقام دوم مسابقات خردسالان بسیج مشهد و مقام اول مسابقات خردسالان هیئت کشتی مشهد در سال ۱۴۰۰ است. سال ۱۴۰۲ در وزن ۴۸ کیلوگرم مقام اول مسابقات نونهالان شهرستان فرهادگرد را کسب کردم و سال ۱۴۰۳ نیز در همین وزن، در مسابقات نونهالان استان در سالن شهیدسلطان زاده اول شدم. سال گذشته نیز در رده نوجوانان در مسابقات استانی سیستان و بلوچستان در زاهدان شرکت کردم و به مقام دوم رسیدم. همراه تیم شهید شوشتری هم در پنجمین دوره لیگ کشتی محلات مشهد، بزرگداشت استاد هادی عامل، به مقام دوم تیمی رسیدیم.

● کشتی چه تغییری در تو ایجاد کرده است؟

اعتماد به نفسم بیشتر شده است و خیلی آرام‌تر شده‌ام. از طرفی کشتی ورزش پهلوانی است و وقتی کشتی‌گیر می‌شوی، بعضی رفتارها و اشتباهات را دیگر در شأن خودت نمی‌بینی. من تلفن همراه هم ندارم، چون می‌خواهم تمرکز روی کشتی باشد.

● دوست داری در آینده به کجا برسی؟

رؤیایم رسیدن به سکوی قهرمانی جهان و المپیک است. برای رسیدن به آن باید تمرین کنم، صبر داشته باشم و از مسیرم دور نشوم.

چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، اروند، انصار، شهید باهنر، شهید اسکابادی، شهید شیروودی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌یست، شهید رجایی

محلات منطقه‌ها

مهدی‌آباد، رضائیه، سجادیه، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه



الناز یزدان نژاد، مربی تیم آکادمی طیبی است؛ تیمی که حالا خود را به فینال این مسابقات رسانده است. او پنج سال است که مربیگری می‌کند و می‌گوید تمرین‌های تیم همیشه منظم و مستمر دنبال شده است. به گفته او، چند نفر از بازیکنان این تیم در لیگ برتر فوتسال بازی می‌کنند و تجربه حضور در سطح حرفه‌ای را دارند و این یکی از نقاط قوت تیم آن‌هاست.



اسما بنی‌طرفی حدود هشت ماه است که در تیم مرتاج فوتسال تمرین می‌کند. اسما از فضای تیم و تمرین‌ها راضی است و می‌گوید: تقریباً همه چیز خوب پیش می‌رود، جز سیستم سرمایش سالن که خراب است و بازیکنان مجبورند در گرمای مرداد ماه بازی کنند؛ گرمایی که نفس‌گیر می‌شود و تحمل آن وسط یک مسابقه، کار ساده‌ای نیست.



هفدهمین دوره مسابقات فوتسال بانوان منطقه ۵ در سالن مدافعان حرم برگزار شد

دورهمی رقابت و تجربه

سحر نیکو عقیده بانوان فوتسال لیست منطقه ۵ در هفدهمین دوره مسابقات فوتسال بانوان محلات دور هم جمع شدند تا چند روزی را در کنار هم، با رقابت و ورزش سپری کنند.

در این مسابقات که از ۲۷ مرداد در سالن مدافعان حرم شروع شد، شانزده تیم در سه رده سنی با یکدیگر رقابت کردند. در پایان این رقابت‌ها در رده سنی ۱۲ تا ۲۰ سال تیم طیبی مقام اول را کسب کرد. مقام اول رده سنی ۲۱ تا ۳۰ نصیب تیم موتور فوتسال شد و در رده سنی ۳۱ سال به بالا تیم امید موفق به کسب مقام اول شد.



راحله پالیزیان، کارشناس تربیت بدنی بانوان منطقه ۵، می‌گوید: بسیاری از بانوانی که امروز در این مسابقات حضور دارند، چند ماه پیش هیچ‌آشنایی‌ای با این رشته نداشتند. اما با برگزاری تمرین‌های مستمر، حالا در کنار دیگر تیم‌ها به رقابت می‌پردازند.



عکس: سحر نیکو عقیده/شهرآرا

مریم غلامی، مربی تیم مرتاج، می‌گوید این تیم حدود دو سال است که تشکیل شده و بازیکنان آن در این مدت تمرین‌های منظم و مستمری داشته‌اند. خودش هم پنج سال است که در حوزه مربیگری فعالیت می‌کند و برگزاری چنین مسابقاتی را برای رشد فوتسال بانوان ضروری می‌داند.